

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در جلسه قبلی گفته شد که اعتقاد به مهدویت چه کارکردهایی در دنیا دارد، نمیخواهیم بگوییم که حضرت مهدی علیه السلام ظهور کرد چه اتفاقاتی خواهد افتاد... انشاءالله در جلسات آینده به این موضوع خواهیم پرداخت. لکن خود این اعتقاد باعث چه اتفاقاتی در دنیا خواهد شد که یکی از آنها سقوط امپراطوری بریتانیا بوده است. که در جلسه قبلی صحبت شد. مورد بعدی انقلاب اسلامی ایران بود که به خاطر عقیده به مهدویت به وجود می آید، مورد بعدی تشکیل محور مقاومت در منطقه است شما آرم سپاه رو نگاه کنید اسلحه، کره زمین، گندم و مشت آرم حزب الله را نگاه کنید، آرم انصار الله یمن را نگاه کنید دقیقا همین موارد است. آرم زینیون، آرم حشد الشعبی، آرم فاطمیون از همین عناصر تشکیل شده است با چیدمانهای مختلف، طراح این اشکال اعتقاد به مهدویت است. شیخ نعیم قاسم (معاون سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله)



کتابی دارد که در آن به بحث ولایت فقیه می پردازد و میگوید سیاست ما از ایران جدا است و هیچ کشوری نمی تواند در سیاست ما دخالت کند حتی ایران چون فضای سیاسی ما با فضای سیاسی آنها متفاوت است اما ولایت فقیه امر خداست ... امر امر امام زمان علیه السلام است ما تابع ولایت فقیه هستیم. کتابی است به نام اویس خمینی این کتاب زندگینامه شهید حسین الحوئی، ایشان پایه گذار انصار الله یمن است؛

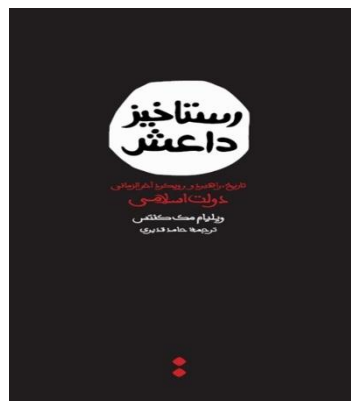


که الآن برادر ایشان پس از شهادتش عهده دار مسئولیت انصار الله یمن است. لازم به توضیح است که یمن تحت سیطره عربستان و وهابیت بود و حتی معلمین یمن هم آموزش دیده عربستان و یا اعزام شده از عربستان بودند. از پیش دبستانی گرفته تا دانشگاه معلمها یا عربستانی بودند یا آموزش دیده عربستان، و در این مدارس عقاید وهابیت ترویج میشد. ایشان سه مدرسه خصوصی تاسیس

می کند به نام‌های مدرسه امام خمینی (ره)، مدرسه شهید مطهری و مدرسه شهید بهشتی و در این مراکز عقاید و مفاهیم انقلاب اسلامی و مهدویت را آموزش می دهد.

که در نهایت به تشکیل انصار الله یمن می انجامد. اکنون هم شاهد این مقاومت هستیم که ده کشور غربی در برابر انصار الله اعتلاف کرده و یمنی ها در مقابل غربی ها با اعتقاد راسخ به مهدویت روز به روز ضربه های مهلکی به این ها وارد می کنند.

مواردی که عرض شد مقدمه ای بود برای شروع بحث جدید. دشمن تا اینجا متوجه اهمیت بحث مهدویت شد و متفکرین غربی کتابهای متعددی در این زمینه نوشتند که در جلسات قبل بیان شد. در این میان کتابی است به نام "رستاخیز داعش" به قلم ویلیام مک کنتس ...



ویلیام مک کونتس در زمان ترامپ مشاور وزارت امور خارجه امریکا (در منطقه خاور میانه) بود. او در این کتاب اعتراف میکند که ما متوجه کارکرد مثبت مهدویت در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام شده بودیم و آمدیم از یک اعتقاد علیه خودش استفاده کردیم. در اینجا نیاز است قبل از ورود به بحث داعش و نظریه ی ویلیام مک کونتس توضیحی هرچند مختصر ارائه کنیم:

در سال ۱۴۰۰ قمری مصادف با سال ۱۳۵۸ شمسی، یک سال پس از انقلاب اسلامی در عربستان فردی به نام جهیمان^۱ ([Jahiman](#))



^۱ در ۲۰ نوامبر ۱۹۷۹ برابر با ۲۹ آبان ۱۳۵۸ پس از حمله و اشغال مسجدالحرام و گروگان‌گیری حجاج توسط یک گروه مسلح سلفی مخالف دولت عربستان سعودی صورت گرفت. این گروه معتقد بودند که محمد عبدالله القحطانی منجی یا همان مهدی موعود می‌باشد و همه باید از او اطاعت کنند این اقدام به رهبری جهیمان بن محمد بن سیف العتیبی انجام گرفت. او معتقد بود که شوهر خواهرش محمد عبدالله القحطانی همان مهدی است که بازگشته تا اسلام را نجات دهد.

چهار جلد کتاب درباره مهدویت می نویسد، عرض شد که اهل سنت و وهابیت هم به موضوع مهدویت اقرار می کنند .

این فرد از علمای بزرگ سلفی وهابیت بود. او در کتاب‌هایش علائم ظهور را با شرایط روزگارش تطبیق داد و سپس ادعا کرد که شوهر خواهرش یعنی محمد عبدالله القحطانی مهدی موعود است. در مدت کوتاهی از ده کشور دنیا به او ایمان آورده و پیروانی پیدا کردند در ادامه‌ی قیامشان مسجدالحرام را به تصرف خود درآوردند. پس از اینکه عربستان در مقابله با آنها عاجز شد از فرانسه کمک گرفت که فرانسه هم توسط نیروی نظامی (بالگرد و ...) توانست پس از کشتن و دستگیری برخی از آنها موفق به سرکوبی این جنبش گردد. در این میان جهیمان و محمد عبدالله القحطانی کشته شدند، تنها یک نفر موفق به فرار گردید به نام ابو محمد مقدسی ...



که هم اکنون هم زنده است و در اردن زندگی می کند. ابو محمد مقدسی تئوری پرداز جریان سلفی است چندین کتاب در اثبات کفر دولت عربستان می نویسد و در مورد مهدویت مباحثی مطرح می کند. ویلیام مک کنتس می گوید: ما طی اقدامی ابو محمد مقدسی را با ابو مصعب زرقاوی زندانی کردیم و این زندان دانشگاهی شد برای ترویج عقاید سلفیت و مهدویت برای ابو مصعب زرقاوی.



سپس هردو آزاد و زرقاوی وارد عراق میشود و القاعده عراق را تشکیل می دهد. در ادبیات سیاسی اهل سنت دو واژه کلیدی وجود دارد: یکی اماره(امارت) اسلامی و دومی خلافت یا دولت اسلامی. اماره یعنی همان محلی که تجمع در آن واقع است و دیگر مکانها را شامل نمیشود. مانند اماره

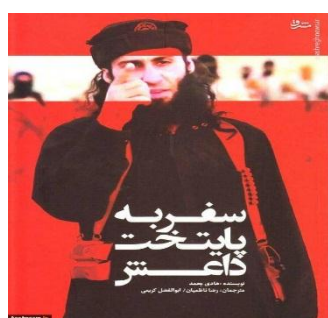
اسلامی طالبان افغانستان . در مورد دوم صحبت از خلافت و دولت اسلامی میشود یعنی هیچ دولتی غیر از این دولت مشروعیت ندارد و دولت اسلامی باید یکی باشد لذا داعش وقتی ادعای دولت اسلامی می کرد ادعا داشت که دولت ایران نامشروع است ، دولت عربستان، دولت بحرین و دیگر دولت های اسلامی نامشروع هستند. در ابتدا تحت لوای القاعده و بن لادن اماره تشکیل دادند. در زمان مصری بود که دولت تشکیل داده شد.



او توسط دیگر اماره های اسلامی مورد اعتراض واقع شد که با این تشکیل دولت، دیگر اماره ها نامشروع تلقی خواهند شد و باید رهبران دیگر اماره ها با شما بیعت کنند، که در پاسخ مصری گفت: ((ظهور مهدی نزدیک است و ما باید زمینه سازی کنیم)) المصری "داع" را تشکیل داد و پرچمی هم طراحی شد پس از المصری ابو عمر بغدادی جانشینش شد و پس از او هم ابوبکر البغدادی جانشین او شد که به دولت اسلامی عراق، شام را هم اضافه کرد ((داعش)) و پرچمی هم طراحی شد به رنگ سیاه دارای نوشته لا اله الا الله در بالا و محمد رسول الله در پایین پرچم و در این خصوص هم توضیحاتی دادند : در توجیه رنگ سیاه پرچم گفته شد که پرچم رسول الله سیاه بوده ! چرا نوشته های پرچم به سبک و خط قدیمی شده ؟ گفتند : چون دین خدا در گذشت زمان تحریف شده و ما باید به قبل (زمان پیامبر) برگردیم . آخرین حرفشان هم این بود : ما این پرچم را تحویل مهدی خواهیم داد .



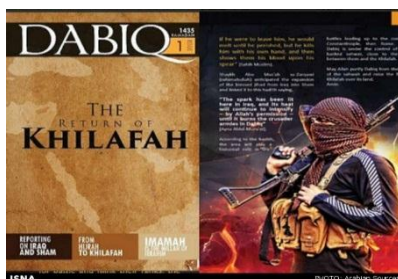
هادی یحمد شخصی است اهل تونس، کتابی به رشته تحریر درآورده به نام "سفر به پایتخت داعش"



این کتاب زندگینامه است که در آن گفته شده: من روزی به مسجد رفتم و از خطیب مسجد روایتی شنیدم که در آخر الزمان جنگی در منطقه "دابق" رخ خواهد داد و بعد از آن مهدی ظهور خواهد کرد. دابق منطقه ای است در ۳۵ کیلومتری شهر حلب.



او با خود گفت که پس من باید به داعش به پیوندم و در دابق بجنگم و زمینه ساز ظهور حضرت مهدی باشم. تمام زندگی ام را رها کردم و هرچه داشتم از نظر اموال و دارایی تبدیل به نقدینگی کردم و راهی دابق شدم. به ترتیب با هر مشقت و مخاطرات و مصائبی بود به دابق رسیدم و دیدم که نه... قضیه چیز دیگری است و دروغ بوده. او اولین کتابی که می نویسد "سراب دابق" نام دارد در اولین فصل کتاب روایت کرده که او به فکر جدا شدن از داعش می افتد در آنجا به این نکته اشاره دارد که هرکس به داعش ملحق شده با همین انگیزه است. جالب اینجاست که داعش در ابتدای فعالیتش نشریه ای را هم با عنوان "دابق" منتشر کرد که موجودیت و رسالت خود را حول زمینه سازی ظهور حضرت مهدی عنوان می کند.



و این امر در جذب افراد از سراسر دنیا به این فرقه بسیار موثر بوده و حتی از افرادی که در منطقه دابق به داعش ملحق شدند ویدئو تهیه میشد و در فیس بوک منتشر می کردند که ای مسلمانان ما در این منطقه به جهت یاری مهدی موعود جمع شده ایم، پس به ما بپیوندید و ای کفار آماده باشید برای جنگ.

در نتیجه اینکه ویلیام مک کنتس از یک اعتقاد مسلمین علیه آن استفاده می کند وقتی دشمن قدرت و جایگاه اعتقاد به مهدویت را به خوبی می شناسد اینگونه با انحراف آن علیه مهدویت وارد صحنه مبارزه می شود. تاکنون در خصوص دو محور، مبارزه با مهدویت و انحراف آن صحبت شد و انشاءالله در جلسات آینده در خصوص فرقه سازی علیه مهدویت هم بحث خواهیم کرد.

والسلام علیکم ورحمت الله و برکاته